

پژوهشی در باره خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی

حجت ذبیحی‌فر*

مهدی مهریزی**

چکیده

این پژوهش به مطالعه در مورد خطبه‌های نماز جمعه و عیدین امام علی پرداخته و در این زمینه در بخشی از این نوشته با نگاه کلی به تمام خطبه‌ها، مواردی چون: تعداد، زمان و مکان صدور خطبه‌ها، تعداد خطبه‌های کامل و ناقص، اسناد و حجم خطبه‌ها مورد مطالعه واقع شده است. در بخش دیگر به مؤلفه‌های مهم تمام خطبه‌ها و میزان تکرارشان اشاره شده است. بررسی دلایل کاستی خطبه‌های جمعه امام علی، مطالب دیگر این نوشتار به شمار می‌آید. همچنین، بیان سیره امام در امر برپایی نماز جمعه و بیان مناسبت‌هایی که در پیدایش خطبه‌ها تأثیر داشته‌اند، بخش‌های دیگر این مقاله هستند. و نهایت این که، در بخش پایانی این نوشتار ادبیات خطبه‌ها مورد کنکاش واقع شده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی، خطبه، جمعه، عیدین.

درآمد

بدون شک، یکی از امتیازات فرهنگ شیعه، به کارگیری دستورات و روایات حضرات ائمه معصوم به همراه قرآن، در میدان عمل است؛ تا آن جا که این به هم آمیختگی موجب رشد و بالندگی و غنای فرهنگی این مکتب گردیده است. در این میان سخنان گهربار امام علی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سخنان آن حضرت وی را در جایگاهی قرار داده که یک دانشمند، او را ستاره درخشان آسمان علم و ادب می‌بیند، و یک نویسنده برجسته از شیوه نگارش او پیروی می‌کند، و یک فقیه، همیشه بر تحقیقات و پدیده‌های او تکیه دارد.

از میان خطبه‌های آن حضرت، خطبه‌های جمعه وی به لحاظ شرایط ذاتی‌شان، دارای مرتبت والایی می‌باشند؛ چرا که ایراد خطبه جمعه و برپایی نماز جمعه در صدر اسلام، علاوه بر این که نشان از صلابت و سلامت فکری و دینی مسلمین به حساب می‌آمده است، بلکه حکایت گر نوع نگرش و بینش خلیفه وقت نیز بوده است.

اما پژوهش در امر خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی با چند سؤال جدی زیر، روبرو

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

است:

سؤال اول: با توجه به کوتاه بودن مدت زمامداری امام علی و شرایط سیاسی - اجتماعی دوران زمامداری آن حضرت، حضرتش چند جمعه موفق به ایراد خطبه نموده‌اند و از این تعداد چه تعداد در منابع کهن اسلامی ثبت گردیده است؟

سؤال دوم: محتوای خطبه‌های جمعه و عیدین حضرت علی حاوی چه مباحث و مسائلی است؟

نوشته حاضر، با بهانه قرار دادن سؤالات یاد شده، اقدام به مطالعه در مورد خطبه‌های آن حضرت نموده، که ماحصل آن بدین قرار است.

۱. پیشینه تحقیق

خطبه‌های جمعه امام علی، از همان روزهای نخستین خلافت ایشان، مورد توجه علاقه‌مندان به آن حضرت بوده است. بررسی‌های تاریخی حکایت از آن دارد که، متن خطبه‌های جمعه آن حضرت - آن هم در هفته‌های آغازین زمامداریشان - ثبت گردیده است. آقا بزرگ تهرانی در کتاب خویش، به ده‌ها مورد کتاب، با عنوان «الخطب، خطب علی و...»، اشاره کرده و متذکر شده‌اند که، این موارد نشان از اهتمام شیعیان آن حضرت مبنی بر ثبت و نگهداری خطبه‌های آن حضرت - آن هم در سده‌های نخستین اسلام - دارد.^۱ در این میان، کتاب زید بن وهب جهنی از همه معروف‌تر و مهم‌تر به حساب می‌آید؛ چرا این کتاب علاوه بر این که حاوی خطبه‌های جمعه و عیدین آن حضرت بوده، از نظر زمان تألیف هم از جمله کتاب‌های اولین در این زمینه به حساب می‌آید که قبل از تألیف نهج البلاغه، وجود داشته است؛ اما متأسفانه این کتاب به علل نامعلومی از صفحه روزگار پاک شده است.

کتاب العقده الفرید اثر ابن عبد ربّه (م ۳۲۸ق)، دیگر کتابی است که به تعدادی از خطبه‌های جمعه امام علی، اشاره کرده است. این کتاب که برگزیده سخنان بزرگان را در خود جای داده است، به دو مورد هم از خطبه‌های جمعه علی اشاره نموده است. این خطبه‌ها در منابع شیعه ذکر نشده و از نظر وضعیت هم، ناقص هستند.

دیگر موردی که می‌تواند، جزء پیشینه این تحقیق به شمار آید، کتاب شریف نهج البلاغه است. این کتاب که به همت سیّد رضی (م ۴۰۶ق) تألیف گردیده، به فقراتی از خطبه‌های جمعه و عیدین علی، اشاره کرده است. فقرات مذکور، هم معدود و هم به صورت پراکنده ذکر شده‌اند، و به جز سه مورد، هیچ اشاره‌ای به جمعه و عیدین بودنشان، نشده است.

از جمله تحقیقات دیگری که جزء پیشینه این پژوهش به شمار می‌آید، مجموعه مستدرکاتی هستند که بر کتاب شریف نهج البلاغه، نوشته شده‌اند. مجموع خطبه‌هایی که در این سری از کتاب‌ها، گردآوری شده‌اند، در بعضی موارد ناقص و در بعضی موارد هم، به صورت تکرار می‌باشند.^۲

۱. الذریعة الى تصانیف الشيعة، ج ۷، ص ۱۸۷ - ۱۹۱.

۲. برای آگاهی از کیفیت و تاریخ تألیف تکمله‌ها، ملحقات و مستدرکات نهج البلاغه، رک: به مقاله: «مستدرکات نهج البلاغه»، علی صدرايي خويي، دانشنامه امام علی، ج ۱۲.

۲. ضرورت تحقیق

پژوهش و مطالعه راجع به برگزاری نماز جمعه و نحوه ایراد و تحلیل محتوایی خطبه‌های جمعه امام علی، از چند جهت ضروری و لازم است:

اول: از آن جا که فرمایشات امام بخشی از تاریخ، به خصوص تاریخ صدر اسلام است و لذا پژوهش در این زمینه می‌تواند، ما را در بازخوانی هر چند بهتر حوادث این مقطع زمانی کمک نماید.

دوم: بازخوانی سیره امام علی به جوامع اسلامی فرصت مناسب را ایجاد می‌کند، تا با تأسی به روش آن بزرگوار، زمینه را برای هر چه بهتر برگزار شدن این فریضه عبادی - سیاسی فراهم نمایند؛ به عبارت دیگر سیره آن امام همام می‌تواند سند راهبردی این فریضه الهی باشد.

سوم: از آن جا که خطبه‌های نماز جمعه آن حضرت مورد تحلیل قرار نگرفته است، این نوشتار می‌تواند فتح بابی باشد برای پژوهش‌گران اسلامی، تا این که، مطالعاتی هم در این زمینه داشته باشند.

۳. خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی، در یک نگاه

۱ - ۳. تعداد، زمان و مکان صدور و وضعیت خطبه‌ها

مجموع خطبه‌هایی که از لایه‌لای منابع کهن گردآوری شده، هفده مورد است که در مقایسه با مدت زمامداری آن حضرت، معدود است. از میان هفده خطبه، یک مورد خطبه عید فطر و یک مورد هم، خطبه عید قربان است. همچنین، مشخص گردید که از مجموع این خطبه‌ها، دو مورد در شهر مدینه، یک مورد در شهر بصره و چهار مورد هم، در شهر کوفه ایراد گردیده‌اند. وضعیت ده مورد از خطبه‌ها، از حیث مکان صدورشان، نامشخص است.^۳ همچنین، از مجموع یاد شده، فقط پنج خطبه به صورت کامل، و مابقی خطبه‌ها که دوازده مورد باشد، به صورت ناقص نقل گردیده‌اند. و نهایت این که، از حیث زمان صدور، چهار مورد از خطبه‌ها دارای زمان صدور مشخص، و بقیه موارد، زمان صدورشان، مشخص نشده است.

زمان صدور خطبه‌هایی که مشخص می‌باشند، بدین قرار است:

خطبه اول: روز جمعه، ۲۵ ماه ذی الحجة، سال ۳۵ هجری، مصادف با جمعه دوم خلافت علی.

خطبه دوم: در سال ۳۵ هجری، مصادف با جمعه سوم خلافت علی.

خطبه چهارم: در شهر بصره و در سال ۳۶ هجری.

خطبه شانزدهم: در شهر کوفه و در سال ۳۸ هجری.^۴

۲ - ۳. اسناد خطبه‌ها

یکی از موضوعات مهم خطبه‌های امام علی، بحث اسناد خطبه‌هاست. برای خطبه‌های آن

۳. با توجه به این که اغلب دوران خلافت امام علی در شهر کوفه سپری گردیده است و لذا به طور طبیعی اکثر خطبه‌های جمعه و غیر جمعه، هم چنین کلمات قصار آن حضرت، در همین شهر صادر گردیده است. و با توجه به این مساله می‌توان چنین نتیجه گرفت که، علاوه بر خطبه‌های که به طور مشخص در شهر مدینه و یا بصره ایراد گردیده‌اند، مابقی خطبه به ظن قوی در شهر کوفه صادر شده‌اند.

۴. لازم به ذکر است که، جدول و نمودار بررسی وضعیت خطبه‌ها، در قسمت پیوست ارائه می‌گردد.

حضرت، اسناد مختلفی ذکر شده است، که بعضی از آنها علاوه بر ناقص بودن، دارای طرق مختلفی نیز می‌باشند. به طور خلاصه، مجموع اسناد خطبه‌های آن حضرت با ذکر منابع بدین قرار است:

خطبه اول:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ فَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ، وَالظَّاهِرِ فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ، وَالْبَاطِنِ
فَلَا شَيْءَ دُونَهُ ...^۵

شیخ طوسی سند این خطبه را، این چنین ذکر کرده‌اند:

عن أبي علي الحسن بن محمد الطوسي عن أبيه عن محمد بن محمد عن أبي القاسم جعفر
بن محمد بن قولويه القمي عن أبيه عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عيسى عن
الحسن بن محبوب عن عبدالله بن سنان عن معروف بن خربوذ عن محمد الباقر عن
علي.^۶

خطبه دوم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ، وَالْبَاسِطِ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ. نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ،
وَسَتَعِينُهُ عَلَى رِغَايَةِ ...^۷

سید رضی در نهج / البلاغة تمام این خطبه را به عنوان خطبه کامل ذکر نموده‌اند.
ابن ابی‌الحدید در شرح نهج / البلاغة توضیحات بیشتری در باره سند این خطبه داده‌اند که
نشان از آن دارد که به اسناد و منابع دیگری غیر از نهج / البلاغة دست یافته است.^۸ و
نهایت این که، شیخ مفید هم سند این خطبه را بدین نحو بیان فرموده‌اند:

أخبرني أبو الطيب الحسين بن محمد النحوي التمار قال حدثنا محمد بن الحسن قال حدثنا
أبو نعيم قال حدثنا صالح بن عبد الله قال حدثنا هشام عن أبي مخنف عن الأعمش عن
أبي إسحاق السبيعي عن الأصمغ بن نباته (رحمه الله) قال قال إن أمير المؤمنين خطب
ذات يوم فحمد الله وأثنى عليه و صلى على النبي ثم قال . . .^۹

خطبه سوم:

۵. تمام نهج / البلاغة، ج ۴، خطبه ۲۰.

۶. الأملی، ص ۹۹؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: تمام نهج / البلاغة، ج ۴.

۷. نهج / البلاغة، خطبه ۱۰۰.

۸. همان؛ شرح نهج / البلاغة، ج ۳، ص ۴۷۵.

۹. الأملی (مفید)، ج ۱، ص ۱۴۸.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ، الْحَكِيمِ الْمَجِيدِ، الْفَعَّالِ لِمَا يَرِيدُ، عَلَامِ الْغُيُوبِ، وَ سَتَّارِ الْغُيُوبِ، وَ خَالِقِ الْخَلْقِ، وَ ...^{۱۰}

این خطبه در کتاب خطب / میر / المؤمنین اثر زید بن وهب جهنی، بدون اشاره به نام روات نقل گردیده است؛ چرا که وی از اصحاب امام علی بوده و خطبه‌های جمعه آن حضرت را می‌نوشته است.^{۱۱} شیخ طوسی سند این خطبه را به صورت مرسل چنین نقل کرده‌اند:

عن ابی مخنف عن عبدالرحمن بن جندب عن ابیه عن علی، قال ...^{۱۲}
شیخ صدوق هم با اختلاف اندکی در الفاظ خطبه، این خطبه را منسوب به امام علی دانسته‌اند.^{۱۳} همچنین علامه مجلسی، حر عاملی، محمد باقر محمودی و سید صادق موسوی، در آثار خودشان این خطبه را ذکر کرده‌اند.^{۱۴}

خطبه چهارم:

كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَاعَ الْبَهِيمَةِ رَغَا فَأَجَبْتُمْ وَ عَقَرْتُمْ فَهَرَبْتُمْ أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ...^{۱۵}

نویسنده کتاب مصادر نهج البلاغة، مصادر متعددی را برای این خطبه، بدین قرار ذکر نموده است:

... فقد رواه جماعة من المؤلفين قبل الشريف الرضي، نذكر منهم الدينوري في الأخبار الطوال، ص ۱۵۳ و المسعودی فی مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۷ و ابن قتیبة فی عیون الأخبار، ج ۱، ص ۲۱۷ و ابن عبد ربّه فی العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۲۸ و علی بن ابراهیم فی تفسیره، ص ۶۵۵ و غیرهم. و یدّعی فی البحار، ج ۸، ص ۴۴۷ أن هذه الخطبة طويلة...^{۱۶}

نکته‌ای که قابل تأمل است، این است که مورخین و محدثین مذکور در زمان صدور این خطبه، اختلاف نظرهایی دارند. البته این اختلاف به قدری جزئی است که به اصل مسئله هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

اختلاف در زمان صدور این خطبه بدین نحو است که ابو حنیفه، ابن قتیبه، سبط جوزی، مسعودی و حموی، چنین نظر دارند که این خطبه قبل از جنگ جمل و در

۱۰. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، ج ۱، ص ۵۴۲.

۱۱. الفهرست، باب زید؛ رجال برقی، باب اصحاب امام علی؛ رجال ابن دود، باب الزاد؛ الخلاصة، باب اصحاب علی.

۱۲. مصباح المتعجد، ص ۳۸۰.

۱۳. من لا یحضره الفقیه، باب وجوب صلاة الجمعة، ص ۲۷۰.

۱۴. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۳۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹؛ نهج السعادة، ج ۳، ص ۹۴؛ تمام نهج البلاغة، ج ۴، ص ۲۰۴-۲۱۷.

۱۵. نهج البلاغة، خطبة ۱۳.

۱۶. مصادر نهج البلاغة و اسانیده، ج ۱، ص ۳۴۳.

روزهای نخستین اقامت امام علی در شهر بصره ایراد گردیده است ولی ابن عبد ربّه و شیخ مفید، چنین معتقدند که این خطبه پس از واقعه جمل، از امام علی صادر گردیده است.^{۱۷}

خطبه پنجم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَحْمَدُهُ وَاسْتَعِينُ بِهِ، وَاسْتَهْدِيهِ وَأُؤْمِنُ بِهِ، وَآتَوَكَّلُ عَلَيْهِ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ...^{۱۸}

راجع به بخش های این خطبه اسناد متفاوتی ذکر گردیده است. چرا که بخش اول این خطبه در کتاب وقعة صفین، اثر نصرین مزاحم منقری، ذکر شده و طرق نقل آن هم، بدین نحو است:

نقل اول: عن أبي عبدالله سيف بن عمرو عن ولید بن عبدالله عن أبي طيبة عن أبيه عن علی ...^{۱۹}

نقل دوم: عن أبي عبدالله عن سليمان بن المغيرة عن علی بن الحسين (زين العابدين) عن علی ...^{۲۰}

اما در باره بخش های دیگر این خطبه، اسناد دیگری هم بدین قرار ذکر شده است:
۱. شیخ طوسی چنین نوشته اند:

عن أبي جعفر محمد بن الحسن بن علی عن احمد بن محمد بن الصلت الأهوازي عن احمد بن محمد بن سعيد بن عبد الرحمن الحافظ عن محمد بن عيسى بن هارون بن سلام الضير أبي بكر عن محمد بن زكريا المكي عن كثير بن طارق عن زيد بن علی عن أبيه (امام السجاد) عن علی ...^{۲۱}

۲. در کتاب /مالی مفید چنین نقل شده است:
عن احمد بن محمد عن أبيه محمد بن الحسن بن الوليد القمي عن محمد بن الحسن الصفار عن العباس بن المعروف عن علی بن مهزيار - مرفوعاً - عن الصادق عن علی ...^{۲۲}
۳. در کتاب تنبيه الخواطر چنین آمده است:

عن ابن جمهور، عن أبيه - مرفوعاً - عن الصادق عن علی ...^{۲۳}

۱۷. همان. البته با توجه به سیاق کلام حضرت که در ابتدای خطبه، با عبارت «کنتم جند المرأة» شروع گردیده، چنین به نظر می رسد که، قول دوم (بعد از جنگ جمل) نظر صحیحی است.
نکته دیگر این که، مرحوم سید رضی، در نقل این خطبه نهایت احتیاط را رعایت فرموده اند و سعی کرده اند که جملات محتمل را هم، ذکر نمایند، تا مبدا چیزی از قلم بیافتد؛ و این نکته هم با عبارت های «و فی روایت» که در متن خطبه ذکر شده است، فهمیده می شود و مشخص می کند که مرحوم سید به نقل های محتمل هم توجه فرموده اند.

۱۸. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، ج ۱، ص ۴۷۳.

۱۹. پیکار صفین، ص ۱۰ - ۱۲.

۲۰. همان.

۲۱. الامالی (طوسی)، ص ۷۱۳.

۲۲. الامالی (مفید)، ص ۲۰۷، حدیث ۳۹.

۲۳. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۳.

گردیده است:

۱. شیخ طوسی چنین نقل فرموده:

عن أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي عن الحسين بن عبيد الله عن [علي بن محمد بن العلوي]^{۳۴} عن محمد بن موسى الرقي عن علي بن محمد بن أبي القاسم عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني عن أبيه عن أبان مولى زيد بن علي عن عاصم بن بهدلة عن شريح القاضي عن علي^{۳۵}.

۲. کلینی همچنین نقل کرده‌اند:

عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن الحسن بن محبوب عن محمد بن النعمان وغيره عن جعفر الصادق عن علي^{۳۶}.

خطبه نهم:

... أَيُّهَا النَّاسُ سَبِّحْ مَصَائِبَ عِظَامٍ - نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا - : عَالَمٌ زَلَّ، وَ عَابِدٌ مَلَّ، وَ مُؤْمِنٌ خَلَّ، وَ مُؤْتَمِنٌ غَلَّ وَ...^{۳۷}.

این خطبه هم در کتاب‌های متعددی همچون: تنبيه الخواطر، بحار الأنوار، مستدرک الوسائل، غرر الحکم و تمام نهج البلاغة، به صورت ناقص نقل گردیده است.^{۳۸} همچنین، در بعضی از منابع به ناقص بودن و جمعه بودنش، هیچ اشاره‌ای نشده است. از جمله آن موارد، کتاب عوالی/آلوسی است. مؤلف این کتاب از قول راوی این خطبه، در قالب روایتی چنین می‌نویسد که: حضرت از هفت مصیبت به خداوند، پناه برده‌اند و سپس، در ادامه گفتارشان، فقره اول این خطبه را نقل کرده‌اند.^{۳۹}

خطبه دهم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى حَامِدِيهِ، طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْإِعْتِرَافِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ سَبَبًا...^{۴۰}.

این خطبه یکی از خطبه‌های مهم امام علی است؛ چرا که در منابع چنین نقل شده که در یکی از سال‌ها روز جمعه مصادف با روز غدیر خم بوده و حضرت خطبه غرایی را ایراد

۳۴. شیخ صدوق قسمت داخل قلاب [] را علی بن محمد بن محمد بن محمد العلوی معرفی کرده است.

۳۵. الأمالی (طوسی)، ص ۶۶۴.

۳۶. الکافی، ج ۸، ص ۱۴۸ - ۱۵۰.

۳۷. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، ج ۳، ص ۲۲۸.

۳۸. تنبيه الخواطر، ص ۴۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۶؛ مستدرک الوسائل، باب ۶۰، کتاب صلاة، ص ۳۷۸؛ غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۱۳؛ تمام نهج البلاغة، ص ۵۵۰.

۳۹. و فی بعض الأحادیث عن أمير المؤمنين: «... عَالَمٌ زَلَّ، وَ عَابِدٌ مَلَّ، وَ مُؤْمِنٌ خَلَّ، وَ مُؤْتَمِنٌ غَلَّ وَ غَلَّى أَقْلًا، وَ عَزِيزٌ ذَلَّ، وَ فَقِيرٌ اعْتَلَّ...» (ابن ابی الجمهور الاحسایی، عوالی آلوسی، ج ۱، ص ۹۳).

۴۰. نهج البلاغة الثاني، ص ۲۸.

فرموده‌اند. البته آن چه که از حافظه راویان این خطبه نقل شده، تنها بخشی از محفوظات راویان خطبه است، نه تمام خطبه.^{۴۱} با توجه به هم زمانی روز جمعه و غدیر، محدثان اسلامی توجه ویژه‌ای را به این خطبه داشته‌اند. نتیجه این که، این خطبه در منابع متعددی ذکر گردیده است، که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ طوسی چنین نوشته است:

عن جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري عن أبي الحسن علي بن أحمد الخراساني الحاجب عن سعيد بن هارون أبي عمر المروزي عن الفياض بن محمد بن عمر الطرسوسي عن علي الرضا عن أبيه عن جعفر الصادق عن محمد الباقر عن علي السجاد عن الحسين الشهيد عن علي.^{۴۲}

۲. سید بن طاووس هم، با ذکر نام چند راوی، این خطبه را از شیخ طوسی چنین نقل کرده‌اند:

عن حسين بن أحمد السواري و عماد الدين أسعد بن عبد القاهر الإصفهاني بإسنادهما عن أبي جعفر محمد بن محمد بن محمد الحسن الطوسي...^{۴۳}

۳. مؤلف کتاب *تحف العقول* هم، به جهت بیان فضایل و بزرگی اهل بیت و بیان جایگاه آن بزرگواران، فقراتی از این خطبه را، در مقدمه کتاب خویش نقل نموده‌اند.^{۴۴}

خطبه یازدهم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْإِمْتِنَانِ أَحْمَدُهُ عَلَى تَتَابُعِ النِّعَمِ وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ...^{۴۵}

این خطبه را شیخ طوسی از حضرت امام محمد باقر به روایت جابر نقل کرده‌اند.^{۴۶} همچنین، مصباح کفعمی هم به همان کیفیت شیخ طوسی، ولی با اندکی اختلاف در الفاظ، این خطبه را یکی از خطبه‌های امام علی دانسته‌اند.^{۴۷}

۴۱. «و قد اتَّفَقَ الغدير و الجمعة، فصعد عليه السَّلم المنبر على خمس ساعات من نهار ذلك اليوم فحمد الله حمداً لم يسمع بمثله، و اثنى عليه ثناء لم يتوجه بمثله غيره، فكان مما حفظ من ذلك...» (مستدرک نهج البلاغة، ص ۷؛ تمام نهج البلاغة، ص ۲۸).

۴۲. مصباح المتعجد، ص ۷۵۲.

۴۳. اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۲۵۴.

۴۴. تحف العقول، ص ۱.

۴۵. مصباح البلاغة في مشكاة الصياغة، ج ۲، ص ۶۶۹.

۴۶. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (صلى الله عليه و آله) يَوْمَ جُمُعَةٍ فَقَالَ... (مصباح المتعجد، ص ۳۴۲ - ۳۴۴).

۴۷. جنة الاماني واقية و جنة الايمان الباقية، ص ۷۱۶.

خطبه دوازدهم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ، الْحَلِيمِ الْغَفَّارِ، الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ، الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ...^{۴۸}
مرحوم کاشف الغطا در کتاب خود بدون اشاره به نام روات؛ این خطبه را منسوب به امام علی دانسته‌اند.^{۴۹} همچنین، این خطبه در کتاب نهج البلاغة الثانی نیز، به همین کیفیت ذکر شده است.^{۵۰}

خطبه سیزدهم:

... دَارُ بِالْبَلَاءِ مَخْشُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا يَسْلَمُ نَزَائِلُهَا أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ ...^{۵۱}

این خطبه در شماره دویست و هفت کتاب نهج البلاغة جزء خطبه‌های امام علی به حساب آمده است. همچنین، در کتاب حیاة الصحابة، به نقل از کتاب صفة الصفوة، راجع به بخشی از این خطبه، چنین می‌خوانیم:
ابن عساکر از عبدالله بن صالح العجلی و او هم از پدرش چنین نقل کرده که امام علی در یکی از خطبه‌های جمعه چنین خطبه خواندند.^{۵۲} و در ادامه با عبارت «اخرجه الدینوری»، سند دیگر این خطبه را کتاب الامامة و السياسة و هو المعروف بتاريخ الخلافة، اثر ابن قتیبه دینوری، دانسته‌اند.^{۵۳}

خطبه چهاردهم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَصَرَ وَلِيَّهُ، وَ خَذَلَ عَدُوَّهُ، وَ أَعَزَّ الصَّادِقَ الْمُحِقَّ، وَ أَذَلَّ الْكَاذِبَ الْمُطِيلَ ...^{۵۴}

۱. ابن کثیر بدون ذکر نام روات، این خطبه را منسوب به امام علی دانسته و متذکر شده که این خطبه از جمله خطبه‌های ابوالحسن است که جامع خیر و ناهی شر است. همچنین، در ادامه چنین نوشته که «دینوری» و «ابن عساکر»، این خطبه را دو خطبه مجزا دانسته‌اند، ولی خود چنین اعتقادی ندارد.^{۵۵}
۲. بخش‌هایی از این خطبه در کتاب نهج البلاغة در خطبه چهل و دو به عنوان یک خطبه به حساب آمده است.
۳. قسمت‌هایی از این خطبه را نصر بن مزاحم، در کتاب وقعة صفین از عمر بن سعد الأسعدی عن الحارث بن الحضريرة عن عبد الرحمان بن عبید بن اُبی الکنود و غیره نقل

۴۸. نهج البلاغة الثانی، ص ۵۰.

۴۹. مستدرک نهج البلاغة، ص ۵۴.

۵۰. نهج البلاغة الثانی، ص ۵۰.

۵۱. نهج البلاغة، خطبه ۲۱۷.

۵۲. حیاة الصحابة، ج ۴، ص ۲۸۶ - ۲۸۸.

۵۳. همان.

۵۴. نهج البلاغة الثانی، ص ۱۱۵.

۵۵. البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۳۰.

کرده‌اند. و اشاره نموده‌اند که حضرت علی پس از جنگ جمل، در سال ۳۶ هجری قمری و در دوازدهم ماه رجب، وارد شهر کوفه گردیده و در مسجد جامع این شهر، خطبه‌ای طولانی ایراد فرموده‌اند.^{۵۶}

۴. شیخ مفید هم به دو طریق قسمت‌هایی از این خطبه را در کتاب *الأمالی* ذکر فرموده‌اند. البته مرحوم شیخ، هیچ اشاره‌ای به جمعه بودن این خطبه، نکرده‌اند. طرق نقل شیخ مفید چنین است:
الف:

حدثنا الشيخ الجليل المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان أيد الله تمكينه قال أخبرني أبو بكر محمد بن عمر الجعابي قال حدثنا محمد بن الوليد قال حدثنا غندر محمد قال حدثنا شعبة عن سلمة بن كهيل عن أبي الطفيل عامر بن واثلة الكناني رحمه الله قال سمعت أمير المؤمنين يقول ...^{۵۷}

ب: عن علي بن مهزيار عن عاصم عن فضيل الرسان عن يحيى بن عقيل قال قال علي ...^{۵۸}

خطبه پانزدهم:

أيها الناس، احفظوا عني خمساً، فلو شددتم إليها المطايا حتى تنضوها لم تظفروا بمثلها:
إلا ...^{۵۹}

این خطبه در کتاب *العقد الفريد* بدون ذکر اسامی روات، نقل گردیده است.^{۶۰} همچنین، مؤلف کتاب *مصباح البلاغة* در اول خطبه چنین نوشته‌اند:
العقد الفريد للمالكي، ايضاً قال و خطب علي ، ...^{۶۱}، بدین معنا که مؤلف این کتاب نیز، مصدر اصلی این خطبه را، کتاب *العقد الفريد* دانسته‌اند.

^{۵۶}. قال نصر بن مزاحم التميمي قال: عمر بن سعد بن أبي الصيد الأسدي، عن الحارث بن حصيرة، عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبي الكنود و غيره، قالوا: لما قدم علي بن أبي طالب من البصرة إلى الكوفة يوم الاثنين لاثنتي عشرة ليلة مضت من رجب سنة ست و ثلاثين، و قد أعز الله نصره، و أظهره على عدوه، و معه أشراف الناس و أهل البصرة، استقبله أهل الكوفة و فيهم قراؤهم و أشرافهم، فدعوا له بالبركة، و قالوا: يا أمير المؤمنين أين تنزل أ تنزل القصر فقال: لا، و لكني أنزل الرحبة، فنزلها، و أقبل حتى دخل المسجد الأعظم فصلى فيه ركعتين... (بيكار صفين، ص ۱۵).

^{۵۷}. *الأمالي* (مفيد)، ص ۲۸۰.

^{۵۸}. همان.

^{۵۹}. *العقد الفريد*، ج ۴، ص ۸۰ - ۸۱.

^{۶۰}. همان.

^{۶۱}. *مصباح البلاغة*، ج ۲، ص ۳۶۱. از عبارت «ايضاً چنین استفاده می‌شود که این خطبه را دیگر محدثان نیز نقل کرده‌اند و مؤلف *مصباح البلاغة* هم آنها را دیده است».

همچنین، شیخ صدوق و سید رضی هم، فقط با ذکر قسمت نخست این خطبه، این را به امام علی نسبت داده‌اند.^{۶۲} و نهایت این که محدث نوری هم، فقره اول این خطبه را به عنوان یک حدیث از جعفریات نقل کرده است.^{۶۳}

لازم به ذکر است که، بعضی از محدثین گرامی، این خطبه را نیز مانند بعضی از خطبه‌های دیگر، تقطیع نموده‌اند و تنها به ذکر بخش اول این خطبه بسنده کرده‌اند، که نقل شیخ صدوق و محدث نوری، از جمله آنهاست.

خطبه شانزدهم:

أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ، الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ، كَلَامُكُمْ يُوْهِى الصَّمَّ الصَّلَابَ وَفَعْلُكُمْ...^{۶۴}

این خطبه در شماره بیست و نه کتاب *نهج البلاغة*، ذکر گردیده و سند این خطبه را مرحوم حسینی چنین ذکر کرده‌اند:

هذه الخطبة من خطبه المعروفة، رواها كثير من العلماء قبل الشريف الرضى منهم: أبو عثمان الجاحظ في *البيان و التبیین*، ج ۱، ص ۱۷۰ وابن قتيبة في *الامامة و السياسة*، ج ۱، ص ۱۵۰ وابن عبدربه في *العقد الفريد*، ج ۴، ص ۷۱ و البلاذري في *أنساب الأشراف* في ترجمة علي، ص ۳۸۰ و رواها القاضي النعمان في *دعائم الإسلام* ج ۱، ص ۳۹۱ قال: روينا عنه (يعني علياً) صلوات الله عليه، أنه خطب الناس يوم الجمعة، فحمد الله و اثنى عليه ثم قال: ...^{۶۵}

اما در رابطه با زمان صدور این خطبه، چنین می‌خوانیم:
پس از آن که ضحاک بن قیس از طرف معاویه در سال سی و هشت هجری، به کاروان حجاج بیت الله، حمله کرد و اموال آنان را به غارت برد، حضرت چنین فرموده‌اند.^{۶۶}

۶۲. عن علي بن أبي طالب: «خمسة لو رحلتم فيهن المطايا لم يقدروا على مثلهن لا يخاف عبد إلا ذنبه ولا يرجو إلا ربه ولا يستحيى الجاهل إذا سئل عما لا يعلم أن يقول لا أعلم ولا يستحيى أحدكم إذا لم يعلم أن يتعلم والصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد ولا ايمان لمن لا صبر له» (صدوق، *عيون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۴۶؛ *نهج البلاغة*، حکمت ۸۲).

۶۳. *جعفریات*: بإسناده عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب، قال: «خمس لو شدت إليها المطايا حتى ينضين لكان يسيرا: لا يرجو العبد إلا ربه، ولا يخاف إلا ذنبه، ولا يستحي الجاهل أن يتعلم، ولا يستحي العالم إذا سئل عما لا يعلم أن يقول: الله اعلم، الخامسة الصبر و منزلة الصبر من الايمان، كمنزلة الرأس من الجسد» (نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۴۶۷).

۶۴. *نهج البلاغة*، خطبه ۲۹.

۶۵. *مصادر نهج البلاغة و اسانيده*، ج ۱، ص ۴۲۳.

۶۶. همان.

خطبه هفدهم:

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَزُؤْمٍ طَاعَتِهِ، وَتَقْدِيمِ الْعَمَلِ، وَتَرْكِ الْأَمَلِ، فَإِنَّهُ
مِنْ... ٦٧

این خطبه در کتاب *العقد الفريد* بدون ذکر نام روات یا راوی، نقل شده است.^{٦٨} همچنین، در کتاب *مصباح البلاغة* نیز، به نقل از کتاب *العقد الفريد*، این خطبه به امام علی، نسبت داده شده است.^{٦٩} و نهایت این که در کتاب *نهج السعادة* علاوه بر سند کتاب *العقد الفريد*، سند دیگری نیز به نقل از باعونی از کتاب *جوهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب* نقل گردیده است.^{٧٠}

٣-٣. مؤلفه‌های مهم خطبه‌ها و میزان تکرارشان

یکی از محورهایی که کمتر مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته، پژوهش در رابطه با مؤلفه‌های مهم و به تبع آن، محتوای خطبه‌های حضرت علی است. مؤلفه‌های خطبه‌ها و همچنین محتوای خطبه‌های حضرت در روز جمعه، به یک معنا بیانگر دیدگاه‌های آن حضرت نسبت به مسائل جاری کشور اسلامی بوده، که از مسند امامت جمعه صادر گشته است. اکثر مسائلی که در دوران زمامداری حضرت پیش آمده، مشکلات فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی بوده است و در این زمینه، حضرت با رویکرد به جامعه شناختی جامعه اسلامی، برای حل مشکلات و برطرف ساختن معضلات به وجود آمده، موضوعاتی را در بعضی خطبه‌ها به صورت مکرر و موکد، بیان داشته‌اند.

از این جهت است که با مطالعه خطبه‌ها، به مؤلفه‌هایی برخورد می‌کنیم که بیش از دیگر مؤلفه‌ها نمود پیدا کرده‌اند. البته ناگفته نماند که منظور از مؤلفه‌های مهم، بیان مطالبی است که حضرت یا به طور دائم در خطبه‌ها به بیان آنها پرداخته‌اند - به نوعی که جزء اولویت‌ها به حساب می‌آید است - و یا بیان مؤلفه‌هایی است که حضرت در یک خطبه مستقل به طور مبسوطی به آنها پرداخته‌اند.

مؤلفه‌های مهم خطبه‌ها، عبارتند از: خدا، پیامبر اسلام، امامت، فرائض دینی، غدیر، دنیا، مرگ و قیامت، تقوا، نفاق، قرآن، اعیاد اسلامی و دعا.

به طور اجمال، مباحث مربوط به این بخش را، می‌توان چنین خلاصه کرد:

اول: در تمام خطبه‌های کامل، شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت حضرت رسول اکرم و سفارش به تقوا، زهد و دنیاگریزی و دعا در حق مسلمانان، جزء ارکان خطبه‌ها به حساب آمده‌اند، چرا که بیشترین موضوعی که در خطبه‌ها تکرار گردیده و جزء مشترکات همه خطبه‌ها گردیده‌اند، همین موارد یاد شده است.

دوم: پرهیز از دنیاپرستی و آلوده‌نشدن به آن و داشتن زندگی زاهدانه، اولین مؤلفه‌ای است که بیشترین حجم مطالب را به خود اختصاص داده؛ چرا که این مؤلفه، چهل و دو بار در خطبه‌های جمعه و عیدین تکرار گردیده است.

٦٧. *العقد الفريد*، ج ٤، ص ٦٩.

٦٨. همان.

٦٩. *مصباح البلاغة*، ج ١، ص ٧٥.

٧٠. *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة*، ج ٣، ص ١٢٨.

سوم: سفارش به تقوای الهی، دومین مؤلفه بعد از دنیا است که بیشترین حجم مطالب را به خود اختصاص داده است. البته این نکته را هم نباید فراموش کرد که، گرچه عین کلمه تقوا، بیش از ده مورد هم نیست، ولی با در نظر گرفتن مترادفات این کلمه، می‌توان چنین ادعا نمود که حجم مطالب این مؤلفه، بعد از دنیا در ردیف دوم است.

چهارم: سومین حجم مطالب، مربوط به مؤلفه مرگ و قیامت است که بخش قابل توجهی از مطالب خطبه‌ها را به خود اختصاص داده است.

۴. دلایل کاستی ضبط خطبه‌ها؟!۷۱

با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی جامعه صدر اسلام و اهمیت نماز جمعه در بین مسلمین، هر هفته خلفای اسلامی، خود در نماز جمعه حاضر می‌شدند و خطبه‌های نماز جمعه را ایراد می‌کردند.^{۷۱} بر پایی نماز جمعه در صدر اسلام برای حاکمیت خلیفه اسلامی امر مهمی به حساب می‌آمده است؛ تا آن جا که مستشرقین هم، درباره این رویداد اسلامی پژوهش‌هایی داشته و این امر را جزء اقدامات مهم خلیفه اسلامی دانسته‌اند. به عنوان نمونه مسجد جامعی به نقل از «پدرسن» چنین می‌نویسد:

از نخستین روزهای اسلام، حاکم اسلامی امامت نماز را به عهده داشت. او امامت نماز، خصوصاً نماز جمعه را [هم] به عهده داشت و در این زمینه هم، خود خطبه‌ها را القا می‌کرد. در غیاب حاکم اسلامی نیز، صاحب الشرطه (فرماندار نظامی) نماینده او بود ...^{۷۲}

یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که برپایی نماز جمعه توسط خلیفه مسلمین و شرکت مسلمانان در نماز جمعه، نوعی بیعت عمومی با خلیفه اسلامی به حساب می‌آمده است. همچنین به شواهد فراوان تاریخی، امام علی به عنوان خلیفه مسلمین، تعداد قابل توجهی خطبه جمعه ایراد فرموده‌اند.

حال سؤال اینجاست که، چرا از بین آن همه خطبه‌های جمعه‌ای که امام علی به هنگام خلافت ایراد فرموده‌اند، اکنون، شاهد تعداد اندکی از آنها هستیم؟! چه عامل یا عواملی باعث گردید، تا این که خطبه‌های جمعه حضرت در منابع ثبت نگردد؟ و یا این که پس از ثبت، دچار فراموشی شده و به مرور زمان دستخوش تحریف بشوند؟!۷۲

اکنون به عوامل کمی خطبه‌ها و همچنین به نقش گروه‌هایی که باعث عدم ثبت خطبه‌ها و یا باعث از بین رفتن خطبه‌ها گردیده‌اند، اشاره می‌نماییم:

الف. تقطیع روایات توسط راویان احادیث

در طول تاریخ، دوستداران اهل بیت، از سر دوستی و محبت به این خاندان، اقدام به جمع‌آوری و نشر روایات این بزرگواران کرده‌اند، ولی متأسفانه در این نقل‌ها و نوشتن‌ها، اقداماتی را انجام داده‌اند که به صورت ناخواسته منجر به از بین رفتن اصل خطبه و یا ناقص بودن آن، گردیده است.

۷۱. زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، ص ۲۳۶.

۷۲. همان.

بدین معنا که هم راویان و هم نویسندگان خطبه‌ها، با نقل و نوشتن قسمتی از خطبه‌ها باعث گردیده‌اند تا پس از سپری شدن روزگاری، اصل خطبه تحت الشعاع واقع بشود.^{۷۳}

به عنوان نمونه، ابتدای بعضی از خطبه‌ها، با عباراتی چون: «بعد الحمد و الثناء، قام خطیباً و...»، شروع شده و همین طور در متن خطبه‌ها نیز شاهد آن هستیم که، راویان خطبه، تنها به گزیده‌ای از خطبه اشاره کرده‌اند. همچنین، بخشی از خطبه‌ها به صورت ناقص نقل گردیده‌اند؛ نواقصی که یا در اول خطبه‌ها نمود می‌کند و یا در آخر خطبه‌ها. نتیجه این که، وجود این قبیل خطبه‌ها، بیانگر این واقعیت است که، در مواردی از نقل و استنساخ خطبه‌ها، اشتباهاتی چه به صورت عمد و چه به صورت سهو از ناحیه راویان، اتفاق افتاده که همین امر هم، باعث گردیده تا به مرور زمان عنوان جمعه بودن از خطبه‌ها برداشته شود.

البته عملکرد راویان این قبیل از خطبه‌ها را می‌توان چنین توجیه کرد، اول: این که آنها تنها به نقل بخشی از خطبه، که به نظرشان مهم به می‌آمده است، اکتفا و از قسمت‌های دیگر صرف نظر نموده‌اند. دوم: در مواردی که خود راویان، دچار مشکلی می‌گشته‌اند، به جهت توجیه عملکرد خویش، به سخن حضرت استناد نموده‌اند. در واقع سخن خویش را، مستند به کلام امام، ساخته‌اند.^{۷۴}

ب. اقامه نماز جمعه توسط فرد دیگر

از جمله عامل دیگری که باعث گردیده تا اکنون، شاهد تعداد اندکی از خطبه‌های جمعه امام علی باشیم، این است که، در دوران زمامداری آن حضرت، افراد دیگری در نماز جمعه حاضر شده و خطبه‌های جمعه را ایراد نموده‌اند.

به عنوان نمونه، پس از واقعه جنگ جمل در شهر بصره، کسالتی بر امام عارض می‌شود و حضرت نمی‌توانند در نماز جمعه حضور داشته باشند، اما حضرت به امام حسن امر می‌کنند که در مصلی حاضر شود و خطبه‌های جمعه را ایراد کند.

شیخ طوسی و مسعودی، در مورد این واقعه، چنین نوشته‌اند: ابو عبدالله محمد بن محمد گفته: ابوالحسن علی بن محمد کاتب از حسن بن علی زعفرانی از ابراهیم بن محمد ثقفی از ابو ولید عباس بن بکار ضبّی از ابوبکر هذلی از محمد بن سیرین و او هم از تعداد زیادی از شیوخ بصره چنین نقل می‌کند که:

حضرت علی پس از فارغ شدن از جنگ جمل مریض شدند، تا این که روز جمعه فرا رسید و حضرت بر اثر بیماری نتوانستند در نماز جمعه شرکت کنند، اما با توجه به استقبال مردم از برپایی نماز جمعه و حضورشان در مسجد، حضرت به امام

۷۳. برای نمونه در روایتی چنین آمده: «قال: وخطب أمير المؤمنين يوم الفطر فقال: الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض - إلی أن قال - وأطيعوا الله فيما فرض عليكم وأمرکم به، من إقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصوم شهر رمضان، والأمر بالمعروف، والنهي عن المنکر» (وسائل الشیعة، باب وجوب عبادات خمس، روایت ۱۹). چنان که ملاحظه می‌شود، روای این روایت، به دنبال بیان وجوب عبادات خمس بوده نه بیان خطبه علی.

۷۴. برای مطالعه بیشتر، رک: کتاب‌های حدیثی از جمله بحار الأنوار؛ وسائل الشیعة؛ مستدرک وسائل الشیعة؛ ابواب صلاة الجمعة و العیدین و مستحبات آنها.

حسن دستور دادند تا به مسجد روند و نماز جمعه را اقامه کنند.^{۷۵}

ج. وجود جنگ‌ها و مسافرت‌ها

از جمله عوامل دیگری که موجب شده تا خطبه‌های جمعه امام علی در مقایسه با مدت زمامداری آن حضرت محدود باشد، وجود جنگ‌ها و مسافرت‌های آن حضرت است. به شواهد تاریخی امام علی ماه‌های قابل توجهی از دوران زمامداریشان را برای خواباندن فتنه ناکثین و از بین بردن طاغی‌ها و سرکشان صرف کرده‌اند و بنا بر این، در این ایام، فرصت ایراد خطبه جمعه را نداشته‌اند. متن زیر، بهترین شاهد این مدعاست:

امام علی در ۱۸ ذی حجه سال (۳۵ ق) در شهر مدینه به خلافت رسیدند و پس از سپری شدن چند ماه برای سرکوبی و از بین بردن فتنه جمل، عازم بصره می‌شوند و در تاریخ دهم جمادی الثانی سال (۳۶ هجری)، این جنگ به پایان می‌رسد و حضرت بلافاصله قصد کوفه را می‌کنند و در تاریخ ۱۲ رجب سال (۳۶ ه) به این شهر می‌رسند و در تاریخ ۵ شوال همان سال، برای جنگ با قاسطین عازم شام می‌شوند و بنا به نقل تاریخ، جنگ صفین ۱۱۰ روز به طول می‌انجامد.^{۷۶}

چنان که ملاحظه می‌شود، علی ماه‌های قابل توجهی از عمر شریف خویش را، صرف جنگ‌ها و مسافرت‌ها نموده‌اند و بنا بر این، حضرت در این ایام یاد شده، فرصت ایراد خطبه جمعه را نداشته‌اند.

بدون شک دلایل متعددی می‌تواند در این مورد دخیل بوده باشد و دلایل یاد شده، همه علل کمی خطبه‌ها نبوده، و می‌طلبد که، پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گیرد. نکته پایانی این که، به جهت تکمیل شدن مباحث این بخش، مناسب است چند سؤال مرتبط با این علل نیز مطرح و پاسخ‌هایی هم ارائه گردد؛ پاسخ‌هایی که هر کدام از آنها می‌تواند فصلی دیگر در رابطه با موضوع کمی خطبه‌های حضرت، بگشاید. سؤالاتی که تا حدودی می‌توانند مکمل این بخش از پژوهش باشد، بدین قرار است:

آیا در غیاب علی کسی بوده که امامت جمعه را بر عهده گیرد؟ چنان که پاسخ مثبت باشد، شخص مورد نظر چه کسی بوده است؟ آیا در طول مدت تمام مسافرت‌ها و جنگ‌های امام علی، هیچ نماز جمعه‌ای اقامه نشده است؟ و اگر اقامه شده، به چه نحوی بوده است؟ و سؤالاتی از این قبیل.

۵. سیره امام علی در امر خطبه‌خوانی و برپایی نماز جمعه

خطبای نماز جمعه، بنا به تأسی به سیره رسول خدا مواردی چون ایراد خطبه‌ها به صورت ایستاده، عصا یا شمشیر به دست گرفتن و خواندن سوره کوچک از قرآن کریم را در پایان خطبه‌ها، رعایت می‌کردند.^{۷۷} همچنین، بنا به اهمیت این فریضه الهی، حاکمان اسلامی اقداماتی را برای بهتر برگزار شدن نماز جمعه، انجام می‌داده‌اند و امام علی هم به

۷۵. الأملی (طوسی)، ص ۸۲ - ۸۳؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۱.

۷۶. اقتباس از: تاریخ الطبری، حوادث سال ۳۵ - ۴۰ هجری.

۷۷. السرائر، ج ۱، ص ۲۹۴ - ۲۹۵؛ المراسم العلویة، ص ۷۷؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۴۴.

عنوان خلیفه وقت مسلمین، علاوه بر این که توصیه‌هایی برای برگزاری هر چه با شکوهرتر نماز جمعه فرموده‌اند، اقدامات مهمی نیز در این زمینه انجام داده‌اند. با توجه به اهمیت اقدامات آن حضرت در امر برپایی نماز جمعه، این اقدامات می‌تواند جزء سیره آن بزرگوار در امر برپایی نماز جمعه به حساب آید.^{۷۸} اینک به خلاصه‌ای از سیره آن بزرگوار در امر خطبه‌خوانی و نماز جمعه اشاره می‌کنیم:

۱- ۵. آزادی زندانیان جهت شرکت در نماز جمعه

بنا به اهمیتی که نماز جمعه در صدر اسلام داشته، امام علی زندانیان را برای شرکت در نماز جمعه آزاد می‌کردند. روایت امام صادق در این باره موید این مطلب است:

أَنَّ عَلِيًّا كَانَ يَخْرِجُ أَهْلَ السُّجُونِ مَنْ حُبِسَ فِي دَيْنٍ أَوْ تَهْمَةٍ إِلَى الْجُمُعَةِ فَيَشْهَدُونَهَا وَ يَضْمَنُهُمُ الْأَوْلِيَاءُ حَتَّى يَرُدُّوهُمْ^{۷۹}

حضرت علی همیشه کسانی را که به واسطه بدهکاری یا تهمت در زندان بودند، روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه از زندان خارج می‌ساخت و آنها را به نماز جمعه می‌آورد و اولیائشان ضامن می‌شدند که آنان را به زندان باز گردانند.

همچنین، امام صادق نقل فرموده‌اند که امام علی به تبه‌کاران زندانی هم اجازه حضور در نماز جمعه را می‌دادند.

أَنَّ عَلِيًّا كَانَ يَخْرِجُ الْفُسَّاقَ إِلَى الْجُمُعَةِ وَ كَانَ يَأْمُرُ بِالتَّضْيِيقِ عَلَيْهِمْ^{۸۰}

امام صادق می‌فرمایند: حضرت علی تبه‌کاران را برای شرکت در نماز جمعه از زندان خارج می‌ساخت و دستور می‌داد در رابطه با آنان محدودیت ایجاد گردد.

۲- ۵. نهی از مسافرت رفتن در روز جمعه

امام علی افزون بر این که مردم را به شرکت در نماز جمعه تشویق می‌کردند، بلکه همواره اصحاب و آشنایان را از سفر کردن در روز جمعه برحذر می‌کردند. در این زمینه، نامه‌ای که حضرت برای یکی از دوستان خود نوشته‌اند، گویای این واقعیت تاریخی است. بخشی از آن نامه، بدین قرار است:

عن علی فی کتابه إلى الحارث الهمدانی، قال:

... وَ لَا تُسَافِرْ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ حَتَّى تَشْهَدَ الصَّلَاةَ إِلَّا فَاصِلًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ فِي أَمْرٍ تُعَذَّرُ بِهِ ...^{۸۱}

۷۸. برای آگاهی بیشتر از نظر فقهی و تاریخی نماز جمعه و همچنین آگاهی از نحوه عملکرد حاکمان اسلامی، ربک :

کتاب صلاة الجمعة: تاريخياً و فقهياً، اثر کاظم جابری و صلاة الجمعة اثر مرتضی حایری.

۷۹. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۷.

۸۰. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۰۸.

۸۱. نهج البلاغة، نامه ۶۹.

... در روز جمعه تا نماز را نگزاری به سفر نرو، مگر این که سفر در راه [جهاد برای] خدای تعالی، یا برای کاری که عذر داشته باشی، باشد ...

۳ - ۵. پرهیز از خوردن دارو در روز پنجشنبه

امام علی، همواره اطرافیان را از خوردن دارو در روز پنجشنبه نهی می‌کردند؛ چرا که ممکن بود شخص بر اثر استعمال دارو، در روز جمعه بی‌حال باشد و در نتیجه نتواند در نماز جمعه شرکت کند.

قال أمير المؤمنين: لا يشرب أحدكم الدواء يوم الخميس، فقيل: يا أمير المؤمنين ولِمَ ذلك؟ قال لئلا يضعف عن إتيان الجمعة؛^{۸۲}

حضرت علی فرمود: هیچ کدام از شما نباید روز پنجشنبه از دارو استفاده کند! از آن حضرت سؤال شد: برای چه منظوری ما را از خوردن دارو نهی می‌کنی؟ فرمود: برای این که ضعف و سستی شما را از آمدن به نماز باز ندارد.

۴ - ۵. تکیه بر سلاح به هنگام ایراد خطبه

چنان که قبل از این هم اشاره کرده‌ایم، از دیگر آداب خطبه خوانی، این است که خطیب به هنگام ایراد خطبه، عصا و یا اسلحه به دست بگیرد و با تکیه کردن به آنها خطبه بخواند. البته یادآوری این نکته لازم است که، این سنت به دوران پیش از ظهور اسلام بر می‌گردد، زیرا سبک و سیاق خطبه خوانی در جاهلیت چنین بود که خطیب چوبی را به مانند عصا و یا اسلحه‌ای مانند نیزه و شمشیر در دست می‌گرفت و با این هیئت خطبه را ایراد می‌کرد.^{۸۳}

بنا بر این، می‌توان گفت که سنت به دست گرفتن عصا و اسلحه در خطبه‌های نماز جمعه به پیش از اسلام مربوط است و از آن جایی که تضادی با اصول و مبانی دینی اسلام نداشت؛ بعد از بعثت پیامبر اسلام نیز، این سنت به عنوان روشی پسندیده و عملی مستحب مورد تاکید قرار گرفت.^{۸۴}

اما در رابطه با این که حضرت علی به هنگام ایراد خطبه‌های جمعه به چه نوع سلاحی تکیه می‌کردند، نقل‌های متفاوتی ذکر شده است؛ البته هر کدام از این نقل‌ها هم، مؤید یک دیگر می‌باشند. نقل اول از نصر بن مزاحم (۹۶ ق) است، چرا که وی چنین نقل کرده‌اند:

... حضرت علی به هنگام ایراد خطبه‌ها شمشیر خویش را حمایل کرده و بر کمان

۸۲. من لا یحضره الفقیه، باب صلاة الجمعة، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۱.

۸۳. خطیبان جاهلی در القای خطابه به خویش عادات ویژه‌ای داشتند. آنها در مراسم مهم و مجامع پرجمعیت، بر روی مرکب خود خطابه ایراد می‌کردند، و اغلب در هنگام ایراد خطابه با عصا و سر نیزه و یا شاخه درختی که در دست داشتند، به حاضران اشاره می‌نمودند. و چنان که گفته‌اند: «قیس بن ساعده ایادی نخستین خطیبی است که در زمان جاهلیت بر عصا یا شمشیر تکیه نموده و بر بلندی به ایراد خطابه پرداخته است» (به نقل از: کیهان اندیشه، شماره اول، سال ۱۳۶۴، ص ۸۶).

۸۴. برای نمونه ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۸.

تکیه زده بودند.^{۸۵}

اما نقل دوم از شیخ مفید است، که چنین فرموده‌اند:

... امام علی به هنگام ایراد خطبه‌های جمعه، بر کمان عربی تکیه می‌کردند.^{۸۶}

با در کنار هم قرار دادن این نقل‌ها، می‌توان چنین نتیجه گرفت، حضرت به هنگام ایراد خطبه‌ها بر یک سلاحی تکیه می‌کردند؛ حال آن سلاح شمشیر بود یا کمان! در رابطه با تنوع سلاح به دست گرفته شده، می‌توان چنین ادعا کرد که نقل اول، ناظر بر وضعیت کاملاً جنگی و شرایط ویژه است، چرا که این نقل، گزارشی از حالات آن حضرت، از جبهه صفین است. اما به احتمال زیاد، نقل دوم بیانگر شرایط طبیعی جامعه اسلامی است.^{۸۷} روایت زیر تا حدودی می‌تواند، موید این ادعاست:

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَعْدِ بْنِ عَمَّارٍ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ إِذَا خَطَبَ فِي الْحَرْبِ خَطَبَ عَلَى قَوْسٍ وَإِذَا خَطَبَ فِي الْجُمُعَةِ خَطَبَ عَلَى عَصَا.^{۸۸}

همانا رسول خدا زمانی که در شرایط جنگی خطبه ایراد می‌فرمود بر چله کمان تکیه می‌کرد و زمانی که در نماز جمعه [و شرایط طبیعی و صلح] خطبه می‌خواند عصا بر دست می‌گرفت.

۵ - ۵. خواندن سوره یا آیه در پایان خطبه

با مطالعه خطبه‌های حضرت علی متوجه می‌شویم که حضرت در بعضی موارد در پایان خطبه اول، سوره‌های متفاوت و در پایان خطبه دوم، آیات مختلفی را تلاوت می‌کردند.

شیخ طوسی در کتاب مصباح المتعبد، پس از نقل خطبه، از زبان راوی خطبه چنین نوشته که، حضرت بعد از پایان خطبه اول، یا سوره توحید یا سوره الکافرون و یا سوره والعصر را تلاوت کردند.^{۸۹}

این روایت علاوه بر این که نشان از مردد بودن راوی دارد، بلکه نشانگر این است که حضرت به طور معمول پس از بیان خطبه، این سوره‌ها را تلاوت می‌کردند.

همچنین، در این زمینه باز به روایتی بر می‌خوریم که، علاوه بر این که نظر اول را تأیید می‌کند، بلکه حکایتگر آن است که حضرت به طور دائم در پایان بخش اول خطبه، سوره توحید را می‌خواندند. متن روایت بدین قرار است:

محمّد بن علی بن الحسین، قال:

۸۵. پیکار صفین، ص ۱۳۰.

۸۶. الجمل (جنگ جمل)، ترجمه محمود مهدوی، ص ۸۰.

۸۷. گرچه، کمان نیز جزء ادوات جنگی آن زمان به حساب می‌آمده است، اما نقل دوم در مقایسه با نقل اول، بیانگر حالاتی غیر از جنگ و شرایط کاملاً ویژه، است.

۸۸. سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۴۷۶.

۸۹. مصباح المتعبد، ص ۶۰۳.

خطب أمير المؤمنين في يوم الجمعة، إلى أن قال: ثم يبدأ بعد الحمد بقل هو الله أحد، أو بقل يا أيها الكافرون، أو باذا زلزلت الأرض، أو بألهاكم التكاثر، أو بالعصر، وكان مما يداوم عليه: قل هو الله أحد.^{۹۰}

این روایت را شیخ طوسی به روایت ابو مخنف نقل کرده است و آن چه قابل تأمل است، بند آخر این روایت است که حضرت پس از پایان خطبه نخست، همیشه سوره توحید را می‌خواندند.^{۹۱}

با کنار هم قرار دادن روایات یاد شده، می‌توان چنین استنباط کرد که قدر متیقن، حضرت پس از پایان خطبه اول یک سوره کامل را تلاوت می‌کردند. اما در رابطه با این که امام علی در پایان خطبه دوم چه سوره یا آیه‌ای را تلاوت می‌کردند، هیچ مستندی یافت نشد، ولی با تتبع در خطبه‌های حضرت چنین به دست می‌آید که در این قسمت از خطبه‌ها سوره کاملی تلاوت نشده است و حضرت فقط به تلاوت آیه ۹۰ از سوره مبارکه نحل،^{۹۲} و ۲۰۱ از سوره بقره^{۹۳} بسنده کرده‌اند.

۶. تحلیل مناسبتی خطبه‌ها

یکی دیگر از تحلیلی‌هایی که بایستی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، تحلیل مناسبتی خطبه‌های امام علی است. بدین معنا که، در تاریخ زندگی سیاسی - اجتماعی مسلمانان، اتفاقاتی روی داده و موجب گردیده تا حضرت در مقابل این حوادث پیش آمده، موضعی را اتخاذ نمایند. البته این نکته را هم نباید فراموش کنیم که با توجه به این که، اقامه نماز جمعه در صدر اسلام، به وسیله خلیفه مسلمین صورت می‌گرفت، و لذا سخنان ایشان نیز به منزله موضع رسمی حاکمیت اسلام در برابر جریانات و حوادث پیش آمده، تلقی می‌شده است و از این منظر، سخنان حضرت در قبال حوادث پیش آمده در کشور اسلامی، موضع رسمی تلقی شده و به همین خاطر، اهمیت این قبیل خطبه‌ها به لحاظ مناسبتی، دوچندان گردیده است. با این توضیح، از مجموع خطبه‌های حضرت، چهار مورد دارای چنین مشخصه‌ای به شرح زیر می‌باشند:

مورد اول (پس از جنگ جمل)^{۹۴}

بعد از آنکه حضرت به خلافت برگزیده شدند، جریانات سیاسی کشور اسلامی، آرایش خاصی را به خود می‌گیرد و به تبع آن، مشکلات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، وارد مرحله جدیدی می‌شود. یکی از آن جریاناتی که تا حد زیادی، باعث بروز مشکلاتی - آن هم در اوایل حکومت حضرت - در سطح جامعه اسلامی گردید، واقعه جنگ جمل است، که

۹۰. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۳۲؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۹.

۹۱. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۳۲.

۹۲. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يُنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ».

۹۳. «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

۹۴. ترجمه نهج البلاغة، خطبه ۱۳.

در سال ۳۶ هجری در شهر بصره به وقوع پیوست. اما از آن جا که خود حضرت نیز در سرکوب این فتنه حضور داشتند و لذا چند هفته‌ای هم، در همان شهر اقامت می‌کنند و در یکی از خطبه‌های جمعه از این اقدام اهالی بصره، به شدت انتقاد می‌نمایند. این خطبه، با این که به صورت ناقص نقل گردیده، ولی نشان از موضع محکم و انتقادی حضرت، در مقابل جریان فتنه دارد. گرچه در مورد زمان صدور این خطبه، اندک اختلافی است،^{۹۵} و لکن قدر مسلم، حادثه جمل باعث گردیده تا این خطبه، به همین شکل صادر گردد. انتقادی که در این خطبه روی داده، بیشتر متوجه خود اهالی بصره گردیده است و با توجه به ناقص بودن خطبه، معلوم نیست که غیر از این اهالی، آیا کسان دیگر نیز مورد انتقاد واقع شده‌اند یا نه؟

مورد دوم^{۹۶}

دیگر موردی که می‌تواند مورد بحث این مقوله به حساب آید، جریان سؤال نمودن مردی از اجابت نشدن دعاهاست. در این خطبه، عدم اجابت دعاها مورد سؤال واقع شده و حضرت نیز موانع اجابت دعاها را بر شمرده‌اند، و بدین ترتیب، آهنگ سخنان حضرت، در این خطبه به طور محسوس تغییر یافته است. اختلاف موضوع بخش نخست این خطبه با بخش دوم، آن چنان محسوس است که هر خواننده‌ای با اندک تأملی می‌تواند به این اختلاف فاحش موضوعی پی‌برد، و این سؤال در ذهنش تداعی کند که، چه عاملی باعث شده تا سیر سخنان حضرت به طور چشم‌گیری، تغییر یابد؟

مورد سوم (مصادف شدن روز غدیر با روز جمعه)^{۹۷}

بی‌شک یکی از مهمترین مناسبت‌هایی که در طول امامت امام علی اتفاق افتاده و باعث گردیده تا حضرت خطبه مفصلی با محوریت آن ایراد نمایند، مصادف شدن روز عید غدیر با روز جمعه است. راجع به تاریخ دقیق ایراد این خطبه، مدارکی یافت نگردید ولی به احتمال قوی در شهر مدینه و در اوایل خلافت امام ایراد گردیده است. مصادف شدن دو عید اسلامی در یک روز باعث شده تا این خطبه به یکی از خطبه‌های ماندگار حضرت تبدیل گردد، آن چنانی که بعضی نویسندگان، این خطبه را اشتباهاً خطبه غدیر دانسته‌اند و هیچ اشاره‌ای به جمعه بودن آن ننموده‌اند.

نکته پایانی در رابطه با این خطبه این است که، لحن گفتار حضرت در این خطبه، در مقایسه با دیگر خطبه‌ها، لحنی متفاوت است؛ چرا که حضرت در ابتدای این خطبه به معرفی اهل بیت پیامبر اقدام می‌نماید و سپس اقدام به معرفی خویش می‌کنند و از این که جامعه اسلامی چند سالی از وی روی‌گردان بوده، به شدت انتقاد می‌نمایند و سپس با لحنی دیگر، اقدام به معرفی این روز بزرگ کرده را و در همین زمینه، در چندین مورد هم، نامی از روز غدیر می‌برند و بدین ترتیب، همگان را به شناخت و درک این روز مهم

۹۵. چنان که قبلاً اشاره کردیم، بعضی از مورخان تاریخ صدور این خطبه را قبل از جنگ جمل دانسته‌اند و بعضی

هم بعد از جنگ.

۹۶. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، ج ۳، ص ۲۲۸.

۹۷. مصباح المتعجد، ص ۷۵۲.

دعوت می‌نمایند.

مورد چهارم (غارث شدن کاروان حاجیان، توسط عمال معاویه)^{۹۸}

خطبه‌ای که در همین زمینه ایراد گردیده، خطبه‌ای است که در سال ۳۸ هجری و در شهر کوفه صادر گردیده و حاوی مطالبی است که نشان از نارضایتی حضرت از عملکرد مردم کوفه دارد. ابن‌ابی‌الحدید در رابطه با صدور این خطبه، چنین نقل می‌کند:

بعد از جریان حکمیت، بار دیگر امیر مؤمنان برای نبرد با معاویه آماده شد. وقتی این خبر به گوش معاویه رسید، به وحشت افتاد و نیروهای خود را برای مقابله با امام فرا خواند. این وحشت زمانی افزایش یافت که خبر حرکت علی از کوفه و عبورش از نخيله به گوش معاویه رسید. معاویه برای ایجاد رعب و وحشت، ضحاک بن قیس فهری را خواست و به او دستور داد به طرف کوفه حرکت کند و هر کس را که در اطاعت علی می‌بیند، مورد هجوم قرار دهد و اموالشان را غارت کند. در هیچ جا توقف نکند. اگر روز را در شهری به سر می‌برد، شب را در جایی دیگر باشد، ولی هرگز در برابر نیروهایی که برای مقابله با او بسیج شده‌اند، مقاومت نکند.

ضحاک، با حدود چهار هزار نفر نیرو حرکت کرد و هر جا رسید به قتل و غارت پرداخت و هر کس را در اطاعت امام علیه السلام دید کشت. به کاروان حاجیان خانه خدا حمله برد و آنها را غارت کرد. عمرو بن عیس - برادر زاده «عبد الله بن مسعود - را با گروهی از یارانش در نزدیکی قطقطان شهید کرد. وقتی این خبرها به امیر مؤمنان علی رسید، مردم را برای مقابله با این تهاجم توأم با وحشی‌گری فرا خواند. هنگامی که گروهی سستی نشان دادند، حضرت این خطبه را ایراد فرمود.^{۹۹}

این خطبه که پس از واقعه مذکور ایراد گردیده، نشان از عمق ناراحتی حضرت در قبال مسائل جامعه آن عصر دارد، جامعه‌ای که به خاطر فرمان نبردشان از خلیفه مسلمین و عدم حضورشان در جنگ با معاویه، اکنون مورد تاخت و تاز عمال معاویه گردیده است. با دقت در سخنان حضرت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، انتقاد بیشتر حضرت در این خطبه علاوه بر عدم حضور مردم کوفه در جبهه، به افکار از هم گسیخته و سخنان زهرآلود اهالی این شهر نیز برمی‌گردد؛ چرا که به فرموده آن حضرت، «سخنانشان آن چنان داغ است که سنگ‌های سخت را در هم می‌شکنند».^{۱۰۰}

بدین ترتیب از مجموع خطبه‌های حضرت، فقط چهار مورد یافت گردید که متأثر از حوادث و وقایع دوران خلافت آن حضرت می‌باشند و حضرت با توجه به جامعه شناختی جامعه اسلامی، با لحنی متفاوت به ایراد خطبه پرداخته‌اند. همچنین، این مناسبت‌ها باعث گردیده‌اند تا حجم خطبه‌ها در مقایسه با سایر خطبه‌ها، متفاوت‌تر باشد.

۷. بررسی ادبیات خطبه‌ها

۹۸. نهج البلاغه، خطبه ۲۹.

۹۹. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۷.

۱۰۰. نهج البلاغه، خطبه ۲۹.

در خطبه‌های جمعه امام علاوه بر این که شاهد تنوع موضوع هستیم، شاهد تنوع لحن کلام حضرت نیز، هستیم. تنوع لحن امام نه حکایت از تزلزل کلام حضرت و نه نشان از عدم فصاحت و بلاغت کلام وی و نه نشان از عدم درک آن بزرگوار از زمان خویش دارد، بلکه این تنوع و عدم یکنواختی، نشان از زمان‌شناسی و مخاطب‌شناسی آن حضرت دارد که به طور استادانه و عالمانه، هم در مناسبت‌ها و هم با در نظر گرفتن مخاطبان، ایراد گردیده است.

به طور کلی، ادبیات خطبه‌های حضرت را، می‌توان در اقسامی چون: انتقادی، سیاسی، حماسی و تبلیغی تقسیم کرد. اینک توضیح هر کدام از موارد یاد شده:

۱- ۷. انتقادی

انتقاد از وضعیت آشفته و اسف‌بار موجود جامعه، و گزارش از عملکرد گذشته و حال گروهی به نام منافقان، حکایت از لحن شکوه‌آمیز حضرت دارد. حضرت در چندین مورد از فقرات خطبه‌ها، از کارشکنی‌ها، بدگویی‌ها و تبلیغات مسموم گروه منافقان علیه مؤمنین انتقاد نموده‌اند.^{۱۰۱}

مجهوریت اهل بیت پیامبر دیگر مقوله‌ای است که امام علی در جمعه سوم دوران زمام‌داریش از آن انتقاد می‌کنند؛ انتقادی که همراه با روشن‌گری و تبیین جایگاه اهل بیت است. تلاش حضرت در این فرازها فهماندن این مطلب است که، عمده مشکلات جامعه اسلامی، دوری مردم از قرآن و اهل بیت پیامبر است. آلوده شدن مردم به امورات دنیایی، هم چون مقام پرستی، شهوت‌رانی، گرایش به امورات پست و رذل و عدم التزام به گزاره‌های اخلاقی، دیگر موضوعی است که از ناحیه حضرت به شدت مورد انتقاد واقع شده‌اند، به طوری که بیشترین انتقادهای، به این مسائل اختصاص دارد.

نکته پایانی این که، اوج انتقادهای و نارضاایتی‌ها از زمانه خویش، زمانی است که حضرت، داشتن وضعیت فرهنگی زمان رسول الله را آرزو می‌کنند و زندگی سراسر معنوی اصحاب آن بزرگوار را بازگو می‌نمایند.^{۱۰۲} همچنین، کارشکنی‌های سپاه امام در اواخر جنگ صفین و اطاعت نکردنشان از حضرت، سبب شده تا آن بزرگوار انتقاد شدیدی از عملکرد سپاه خود داشته باشند، تا آن جایی که حضرت خواستار فاصله افتادن بین خود و آنها شده است.^{۱۰۳}

به طور کلی، مواردی که مورد انتقاد حضرت قرار گرفته‌اند، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

عملکرد منافقان (نفاق در همه مواردش مانند نفاق سیاسی، نفاق اجتماعی، نفاق دینی و ...)، مجهوریت پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت، مجهوریت قرآن، دنیازدگی مردم، عدم تبعیت از حضرت در جنگ با معاویه.

۲- ۷. سیاسی

از جمله مسائل مهمی که حضرت در لایه‌لای خطبه‌های جمعه به آنها پرداخته‌اند، طرح مسائل سیاسی، با بیان سیاسی است. در فقراتی از خطبه‌ها شاهد آن هستیم که ادبیات امام فراتر از انتقاد رفته، و با ادبیات کاملاً جدی سیاسی، علاوه بر این که از بی مهری‌های

۱۰۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

۱۰۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

۱۰۳. همان، خطبه ۲۹.

جامعه اسلامی نسبت به خود پرده برداشته، بلکه در صدد بیان درایت و لیاقت خویش در اداره جامعه نیز، برآمده‌اند. از جمله مواردی که بیانگر بینش سیاسی حضرت است، طرح مسائل مدیریتی جامعه اسلامی - آن هم در حد کلان و خرد - است. حضرت در سطح مدیریت کلان، به رهبریت و مدیریت پیامبر اسلام و خود اشاره فرموده‌اند، که چطور نقش رهبری خویش را ایفا نمودند و موجب گشتند تا جامعه از هم گسیخته نگردد و بر وحدت جامعه نیز خدش‌های وارد نیاید.^{۱۰۴} همچنین، در فقراتی دیگر، رابطه مردم با حاکمان را مد نظر داشته و همواره تأکید فرموده‌اند که به والیان خود خیانت نکنید و به رهبران راهنمای خود نیرنگ زنید و پیشوایان خود را به نادانی نیندازید.^{۱۰۵} بدین ترتیب، حضرت با یادآوری وظایف مهم مردم در قبال والیان شهرها، در صدد بیان استحکام مهم‌ترین ارکان مدیریتی جامعه برآمده‌اند. علاوه بر فقرات یاد شده، بعضی فقرات خطبه دهم نیز حکایت از آن دارد که رهبری سیاسی جامعه اسلامی و خصوصیات آن نیز، مد نظر حضرت بوده و از این که مردم در انتخاب چنین رهبری کوتاهی نموده‌اند، به شدت انتقاد نموده است.^{۱۰۶} حضرت در فقرات یاد شده، به فاحش‌ترین اشتباه مردم در تعیین رهبری جامعه اشاره کرده و چنین فرموده‌اند: ...در این مورد، مانند کسانی هستید که راه اشتباه رفته‌اند و در توجیه عملکردشان گفتند که، ما از سران خود اطاعت کردیم و آنها ما را گمراه ساختند.^{۱۰۷}

نتیجه این که در بُعد ادبیات سیاسی خطبه‌ها، رهبریت جامعه اسلامی، شرایط رهبری، عوامل وحدت جامعه اسلامی و ...، بیشترین مواردی هستند که، حضرت به آنها اشاره نموده‌اند.

۳-۷. حماسی

با توجه به این که امام علی در بدترین شرایط امت اسلامی، زمام امور را به دست گرفتند، لذا در این دوران با سخت‌ترین شرایط سیاسی و فرهنگی امت اسلامی روبرو شدند، طوری که جامعه اسلامی در اندک مدت کوتاهی، شاهد سه جنگ داخلی بوده است. بی شک پیمان شکنی اصحاب جمل و سرکشی معاویه و عدم تبعیت وی از حضرت و در نهایت معضل گروه نهروان، از جمله معضلات و چالش‌های جدی حضرت در امر کشورداری به شمار می‌آمده است. از میان سه جنگی که در دوران زمامداری علی اتفاق افتاد، جنگ صفین بیشترین زمان را به خود اختصاص داده است و حضرت بیشترین وقت خویش را صرف مبارزه با کج روی‌های معاویه و مردم شام، نموده‌اند؛ از این رو، بیشترین حجم ادبیات حماسی خطبه‌ها به آماده سازی جامعه برای مقابله با توطئه‌های معاویه است. حضرت در رابطه با آماده شدن برای جهاد با معاویه، خطاب به مردم کوفه چنین

۱۰۴. همان، خطبه ۱۰۰.

۱۰۵. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، ج ۷، ص ۹۶.

۱۰۶. «... فَرَاقِبُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ اتَّقَوْهُ، وَ اخْذَرُوا الْمَكْرَ وَ لَا تُخَادِعُوهُ، وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْحِيدِهِ، وَ طَاعَةِ مَنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُطِيعُوهُ، وَ لَا تَضِلُّوا عَنْ سُبُلِ الرِّشَادِ، بِاتِّبَاعِ أُولَئِكَ الَّذِينَ ضَلُّوا وَ اضَلُّوا...» (مستدرک نهج البلاغة، ص ۸۲).

۱۰۷. «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ، ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ» (همان).

می‌فرماید:

شما یاوران حق، برادران دینی، سپرهای روز گرفتاری و پیکار و رازداران در برابر افشا کنندگان اسرار هستید. با نیروی شما پشت کنندگان به حق را می‌کوبیم، و به کمک شما، به اطاعت روی‌آوران به حق، امیدوارم...^{۱۰۸}

همچنین، در خطبه دیگر برای تهییج مردم به جهاد و جنگ، چنین فرموده‌اند: و حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید، شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید چگونه می‌توانید از خانه دیگران دفاع کنید و با کدام پیشوا و امام پس از من، به مبارزه خواهید رفت؟^{۱۰۹}

از جمله موارد دیگری که حکایت‌گر ادبیات حماسی خطبه‌های حضرت دارد، دعوت مردم به جهاد - آن هم با جان و مال خویش - است. و نهایت این که، دعا برای لشکریان اسلام و آرزوی پیروزی برای آنان، موارد دیگری از ادبیات حماسی امام علی است که حضرت در لایه‌لای خطبه‌های خویش، این فقرات را بر زبان آورده‌اند. نتیجه این که، تشویق مردم به دفاع از جان و شهر خویش و جهاد با دشمنان خدا و توییح مردم کوفه به خاطر فرارشان از صحنه جنگ و همچنین، بهانه‌جویی آنان برای فرار از جنگ، از جمله مواردی هستند که مطرح نمودن آنها باعث شده تا ادبیات حضرت متفاوت‌تر از بقیه موارد باشد.

۴ - ۷. تبلیغی

بیان فرایض الهی،^{۱۱۰} تشریع احکام الهی،^{۱۱۱} تاکید بر اتیان واجبات و ترک محرمات،^{۱۱۲} بیان فضائل اخلاقی و ویژگی‌های جامعه اخلاقی، آن هم با لحنی دل‌سوزانه و مشفقانه،^{۱۱۳} و بیان ده‌ها مورد از آن چه که یک فرد مسلمان بایستی آنها را بفهمد و در زندگی روزمره خویش به کار ببرد، حکایت از آن دارد که حضرت در روز جمعه به عنوان مبلغی دلسوز و درست کار در صدد تبلیغ آموزه‌های دین مبین اسلام و سیره پیامبر برآمده‌اند. با توجه به این که بخش اعظم خطبه‌های جمعه و عیدین حضرت، با چنین ادبیاتی بیان گردیده‌اند؛ از این رو، از ذکر موارد مصداقی پرهیز نموده و فقط به ذکر موارد کلی، بسنده می‌کنیم.

نکته

پس از ذکر ادبیات خطبه‌ها، اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که سیر ادبیات خطبه‌های حضرت، از اول تا آخر خلافتشان چگونه بوده است؟

۱۰۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸.

۱۰۹. همان، خطبه ۲۹.

۱۱۰. ملام نهج البلاغه، ص ۳۴۳.

۱۱۱. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۵۱.

۱۱۲. همان، ص ۵۴۵.

۱۱۳. به عنوان نمونه، حضرت برای تشویق مردم به راستگویی چنین فرموده‌اند: «وَاَعْلَمُوا أَنَّ لِبَشَرِ الْمَدِّقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ يَأْكُلُهُ وَ يُوَرِّثُهُ غَيْرَهُ» (محمودی، نهج السعادة، ج ۳، ص ۱۳۵).

در پاسخ این سؤال باید چنین گفت: با توجه به این که حضرت در دورانی زمام امور را به دست گرفت که، جامعه اسلامی بر اثر کج‌سلیقگی زمامداران قبلی، با انبوهی از مشکلات سیاسی - اجتماعی رو به رو بود؛ از این رو، به طور طبیعی، حضرت در اولین موضع‌گیری رسمی خویش - آن هم در اولین خطبه نماز جمعه - از چنین وضعیت پیش آمده بر جامعه اسلامی انتقاد کرده‌اند. چنان که قبلاً هم اشاره کردیم، این انتقاد که مقدار قابل توجهی از خطبه را به خود اختصاص داده است، متوجه همه طبقات جامعه، بویژه منافقان است. با این توضیح معلوم گردید که اولین ادبیاتی که حضرت در خطبه‌های خویش به کار برده‌اند، ادبیات انتقادی است.

اما با توجه به این که ادبیات اغلب خطبه‌ها تبلیغی و ارشادی است، پر واضح است که چنین ادبیاتی به طور کم و بیش در طول مدت زمام داری آن حضرت - البته بیشتر در شهر کوفه - به کار گرفته شده است.

نکته پایانی این که، اگر خطبه شانزدهم را که در سال ۳۸ هجری ایراد گردیده است، یکی از خطبه‌های آخر زمام‌داری حضرت به حساب آوریم، مشخص می‌شود ادبیاتی که حضرت در آن مقطع به کار بسته، ادبیاتی انتقادی است، چرا که حضرت در آن خطبه از کارشکنی، بی‌وفایی و بی‌مهری کوفیان، به شدت انتقاد نموده است. فقراتی از آن خطبه، بدین قرار است:

شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید چگونه می‌توانید از خانه دیگران دفاع کنید؟ و با کدام پیشوا و امام پس از من، به مبارزه خواهید رفت؟... سوگند به خدا به آن جا رسیده‌ام که گفتارتان را تصدیق نمی‌کنم و به یاری شما امید ندارم و دشمنان را به وسیله شما تهدید نمی‌کنم. چه دردی دارید؟ دواي شما چیست؟ طب شما کدام است؟^{۱۴}

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سخنان و خطبه‌های امام علی از همان آغاز خلافت آن حضرت، مورد توجه عموم مسلمانان، بویژه شیعیان آن حضرت بوده است. در این میان، خطبه‌های جمعه آن حضرت، به دلیل خاصیت ذاتی‌شان، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده‌اند، زیرا از میان خطبه‌های منسوب به آن حضرت، تاریخ تعدادی از آنها به هفته‌های آغازین حکومت آن حضرت مربوط است. متأسفانه در طول تاریخ، به علل متعددی، جمع‌آوری کامل و تحلیل خطبه‌های آن حضرت، مورد توجه اندیشمندان اسلامی، قرار نگرفته است.

عنصر زمان و مکان در خطبه‌های آن حضرت، جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارند، چرا که بعضی از خطبه‌ها، به طور کامل با در نظر گرفتن مکان و زمان خاصی، ایراد گردیده‌اند. ادبیات خطبه‌ها، کاملاً متفاوت از هم بوده، به طوری که ادبیات خاصی را نمی‌توان برای همه خطبه‌ها در نظر گرفت؛ اما با توجه به این که ادبیات اغلب خطبه‌ها با ادبیات تبلیغی ایراد گردیده شده، می‌توان چنین برداشت کرد که مسائل اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی، برای آن حضرت مهمتر از سایر موضوعات بوده است.

اما به جهت غنابخشی و تکمیل شدن مطالعات در این زمینه، نکاتی هم به عنوان پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱. به طور یقین، مجموع خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی بالغ بر هفده مورد است و می‌طلبد که پژوهش‌های جدی در امر جمع‌آوری خطبه‌ها صورت گیرد.

۲. مطالعاتی در رابطه با فقراتی از خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی که در لایه‌لای خطبه‌های کتاب شریف نهج البلاغه - آن هم به طور پراکنده - نقل گردیده‌اند، صورت گیرد و موارد یاد شده به طور مجزا، تفکیک گردد.

۳. در زمینه تحلیل ادبیات خطبه‌ها و موضوعات مشترک خطبه‌های کوفه و مدینه و مسائل مرتبط با آنها، همچنین مقایسه خطبه‌های امام علی، با خطبه‌های پیامبر اسلام و خطبه‌های دیگران، بایسته است، پژوهش‌هایی انجام بگیرد.

پیوست‌ها:

جدول شماره (۱): بررسی وضعیت خطبه‌ها:

خطبه:	محل صدور:	مذکور در منابع:	زمان صدور:	وضعیت:
اول	مدینه	شیعه	۲۵ ذی الحجة سال (۳۵ هجری)	ناقص
دوم	مدینه	شیعه	۳۵ هجری	ناقص
سوم	نامشخص	شیعه	نامشخص	کامل
چهارم	بصره	شیعه و اهل سنت	۳۶ هجری	ناقص
پنجم	کوفه	شیعه	نامشخص	ناقص
ششم	کوفه	شیعه	نامشخص	کامل
هفتم	نامشخص	شیعه	نامشخص	کامل
هشتم	نامشخص	شیعه	نامشخص	کامل
نهم	نامشخص	شیعه و اهل سنت	نامشخص	ناقص
دهم	نامشخص	شیعه	نامشخص	ناقص
یازدهم	نامشخص	شیعه	نامشخص	کامل
دوازدهم	نامشخص	شیعه	نامشخص	ناقص
سیزدهم	نامشخص	شیعه و اهل سنت	نامشخص	ناقص
چهاردهم	کوفه	شیعه و اهل سنت	نامشخص	ناقص
پانزدهم	نامشخص	اهل سنت	نامشخص	ناقص
شانزدهم	کوفه	شیعه و اهل سنت	۳۸ هجری	ناقص
هفدهم	نامشخص	اهل سنت	نامشخص	ناقص

کتابنامه

- اختیار مصباح السالکین، میثم بن علی بن میثم بحرانی، تصحیح: محمد هادی امینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
- اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ق.
- اقبال الاعمال، محمد ابن طاوس، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۹ ش.
- الأملی، علی بن بابویه صدوق، قم: بعثت، ۱۴۱۷ ق.
- الأملی، محمد بن نعمان مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: وفا، ۱۴۰۳ ق.
- البدایة و النهایة، الحافظ ابن کثیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۴۱۸ ق.
- البیان و التبیین، عمر بن بحر جاحظ، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی،

- ۱۳۶۵ش.
- *پیکار صفین*، نصر بن مزاحم، ترجمه: پرویز اتابکی، تهران: آموزش انقلاب، ۱۳۶۶ش.
- *تاریخ الأمم والملوک*، أبو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- *تحف العقول عن آل الرسول*، حسن بن علی بن شعبه، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۴ق.
- *تنبيه الخواطر و نزمة النواظر*، مسعود بن عیسی ورام، بیروت: دارالتعاریف، بی.تا.
- *تهذیب الأحکام*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۶ش.
- *جَنَّةُ الامانی و اقیة و جنة الایمان الباقیة*، تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی عاملی، بیروت: ۱۳۹۸ق.
- *جنگ میل*، محمد بن نعمان مفید، ترجمه: محمود مهدوی، تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۳ش.
- *خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، حسن بن یوسف حلی، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر الفقه، ۱۴۲۲ق.
- *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، آقابزرگ تهرانی، بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم ۱۴۰۳ق.
- *رجال ابن داود*، تقی الدین بن داود حلی، تحقیق: محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: حیدریة، ۱۳۹۲ق.
- *رجال الطوسی*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
- *رجال النجاشی*، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: موسی شبیری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
- *روشهای تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغة*، محمد دشتی، قم: امام، ۱۳۶۸ش.
- *زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن*، محمد مسجد جامعی، تهران: المهدی، ۱۳۶۹ش.
- *سنن ابن ماجه*، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر، بی.تا.
- *شرح نهج البلاغة*، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۵ق.
- *صحیفه امام علی*، محمد علی ایازی، دانشنامه امام علی، تهران: دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ش.
- *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، رسول جعفریان، قم: ۱۳۷۹ش.
- *طبقات الکبری*، محمد ابن سعد، بیروت: در الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- *العقد الفرید*، ابن عبد ربّه شهاب الدین احمد، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ق.
- *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة*، ابن ابی جمهور الاحسانی، تحقیق: السید المرعشی و مجتبی العراقی، قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.

- الغدير، عبد الحسين اميني، بيروت: دارالكتب العربي، ۱۳۷۹ق.
- غررالحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تميمي آمدي، قم: دفتر تبليغات اسلامي، ۱۳۶۶ش.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسي، قم: الفقاها، ۱۴۱۷ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: علي اكبر غفاري، دارالتعاريف ۱۴۲۳ق.
- كتاب السراير الحاوي لتحرير الفتاوى، ابن اديس حلي، قم: ۱۴۱۱ق.
- مدارك نهج البلاغة، رضا استادي، قم: قدس، ۱۳۸۳ش.
- المراسم العلوية في الاحكام النبوية، حمزة بن عبدالعزيز سئار، بيروت: محسن حسيني، ۱۴۱۴ق.
- مروج الذهب، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي مسعودي، بيروت: دارالكتب العربي، ۱۳۹۰ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوري، حسين (۱۳۲۰ق)، قم، آل البيت، ۱۴۰۷ق.
- مستدرک نهج البلاغة، كاشف الغطاء، هادي، بيروت: مكتبة الأندلس، بی‌تا.
- مستدرکات نهج البلاغة، علي صدرایی خويي، دانشنامه امام علي، تهران: دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ش.
- مصادر نهج البلاغة واسانيده، عبدالزهره حسيني، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسي، تصحيح: اسماعيل انصاري، بی‌تا.
- مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن ابن خلدون، ترجمه: محمد پروين گنابادي، فرهنگي، ۱۳۶۶ش.
- من لا يحضره الفقيه، علي بن بابويه صدوق، تصحيح: شمس الدين محمدجعفر، بيروت: دارالتعاريف، ۱۴۱۱ق.
- نهج البلاغة الثاني، جعفر حائري، ايران، مؤسسه دارالهجرة، ۱۳۶۸ش.
- نهج البلاغة، محمد بن حسين رضي، ترجمه: محمد دشتي، قم: امام علي.
- نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة، محمد باقر محمودي، بيروت: مؤسسة الاعلمي، ۱۳۹۷ق.
- وسایل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد حر عاملي، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.